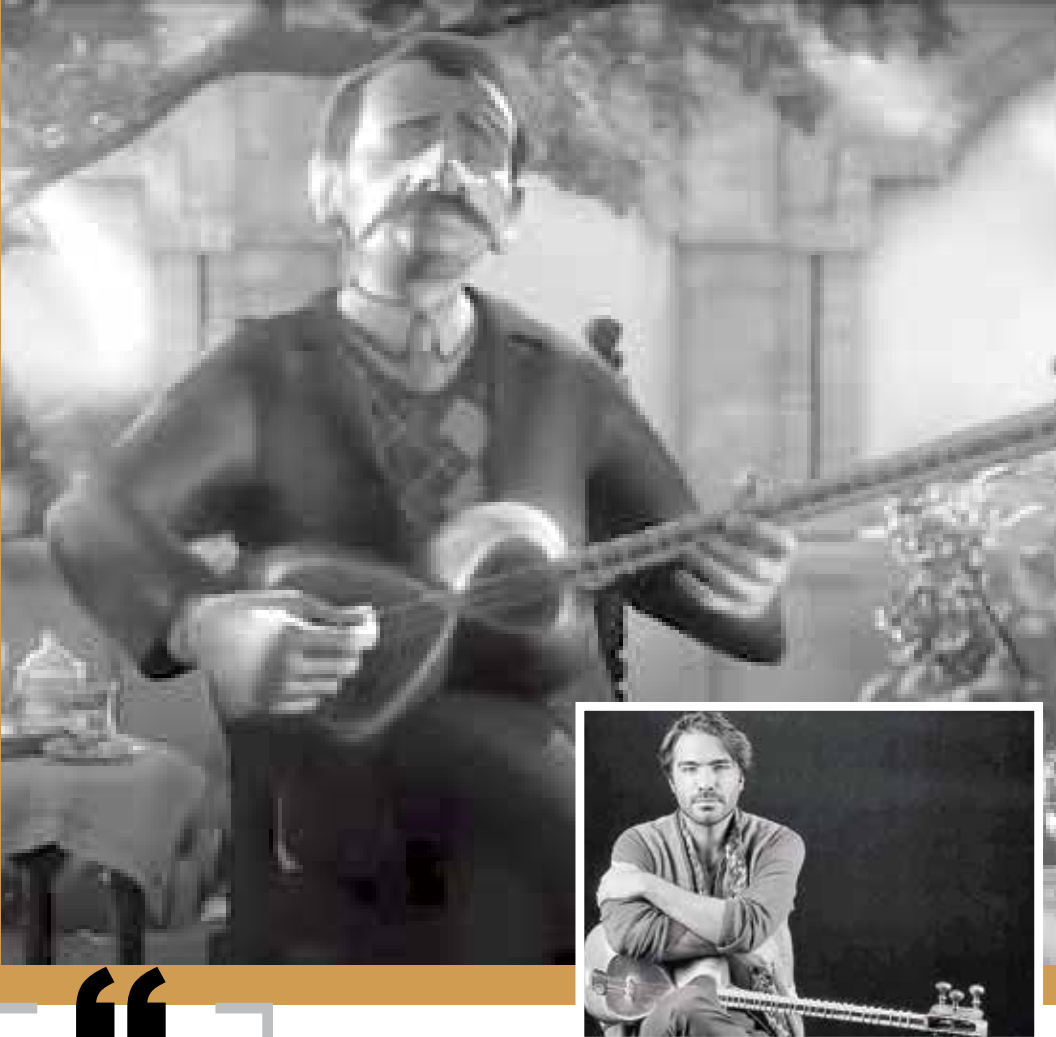


نگاهی به انیمیشن «سیم ششم» روایت زندگی آهنگساز و نوازنده دوران ساز در گفت‌وگو با بهرام عظیمی کارگردان و فردین خلعتبری آهنگساز اثر

# دنیای سیاه و سفید درویش خان به روایت تصویر

ندایسجی | خبرنگار



#### ■ نقش موسیقی در «سیم ششم»

بهرام عظیمی فیلمنامه‌نویس، طراح کاراکتر و کاریگاتوربست و از همه مهم‌تر از کارگردانان بسیار باتجربه و کهنه کار ساخت انیمیشن است و کارنامه پرریار او در این زمینه گواه هنری او دراین زمینه بوده است. عظیمی در «سیم ششم» کار متفاوتی ارائه کرده و از هنرنمایی هنرمندان نام آشنای موسیقی ایران فردین خلعتبری و علی قمصری بهره برده و همکاری داشته است. دراین کار موسیقی و تصویر گام به گام یکدیگر حرکت کرده و بار دیگر نقش اثرگذار موسیقی برتصویر نمایش داده شده است. **فردین خلعتبری** که از آهنگسازان باتجربه در عرصه موسیقی فیلم است در گفت‌وگو با «ایران» نقش موسیقی در انیمیشن را تأثیر گذارتر از سینما و تئاتر عنوان می‌کند: «به عقیده من نه فقط انیمیشن با سینما و تئاتر بلکه هر اثر هنری که بتواند تاریخ موسیقی و بزرگان آن را معرفی کند قطعاً بسیار مهم و مؤثر خواهد بود البته دراین بین انیمیشن قابلیت بسیاری بیشتری دارد به این دلیل که براحتی می‌توان چهره آن موزیسین را ترسیم کرد و موضوعاتی که شاید پرداختن آن در فیلم غیرممکن یا سخت باشد براحتی به تصویر کشید مانند ساز زدن. البته پرداختن به نمایی این کارها بسیار سخت و دشوار است و درکنار آن نیازمند یک بودجه مناسب است.»

خلعتبری قطعات این کار را بر دو بخش تقسیم کرده: «بخش نخست آن پیش ازتولید این انیمه ساخته شده و شامل واریاسیون‌هایی است که آقای علی قمصری قبل تر از قطعات شناخته شده درویش خان بداهه نوازی کرده بودند و آقای بهرام عظیمی این قطعات را انیمه کرده که به عقیده من کار بسیار سخت و دشواری است و توانسته به بهترین شکل آن را تولید کند. اما بخش دیگر آن موسیقی متن است که بعد از پایان ساخت این انیمیشن تولید شد و یک موسیقی فانتزی ایرانی است که برای ارکستر زهی نوشته‌ام و این موسیقی متن متأثر از فضای موسیقایی درویش خان بوده اما با نگاه خود آهنگسازی کرده‌ام که بعد از ضبط و میکس آن برروی فیلم، در کنار موسیقی آقای قمصری اجرا و شنیده می‌شود و مجموعه موسیقی متن را تشکیل داده است و در کنار آن اجرای بسیار درخشان آقای قمصری که با دوهفد انجام شده بود، ابتدا اشاره‌ای باشد به قطعاتی از درویش خان و نکته بعدی بیان شیوه‌ای دیگر در تار نوازی متفاوت از آنچه نگاه درویش خان بود یا در آن دوران رواج داشت که درواقع تداعی گر یک موسیقی پیشرو است تا با آنچه متر و معیار زمان خودش است کمی متفاوت باشد و آقای قمصری این کار را به زیبایی انجام داده‌اند.» «سیم ششم» یک انیمیشن صامت است و نکته قابل توجه آن این است که مخاطب می‌تواند براحتی با موضوع کار ارتباط برقرار کند و دراین راستا موسیقی نقش تأثیرگذاری دارد. خلعتبری تأثیرآن را این گونه بیان می‌کند: «موسیقی متن یا ایجاد یک فضای افکتیو توانسته به آن حالت صامت کمک کند تا عرضه موسیقی که ربط موسیقایی داشته و بتواند فیلم را با تاپایان همراهی کند.»

#### ■ داستان از چه قرار است

ساخت انیمیشن «سیم ششم» از حدود سه سال پیش کلید خورد، هر چند از روزی که ایده آن در ذهن عظیمی شکل گرفت تا زمانی که به مرحله ساخت برسد، نزدیک به دو سال طول کشید. اما اگر آغاز ساخت را زمان اصلی در نظر بگیریم باید به دوسال پیش بازگردیم، زمانی که **بهرام عظیمی** ایده ساخت انیمیشن را با مهناز عادل‌ی در میان گذاشت: «معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران به ما سفارش ساخت یک انیمیشن را داد. ابتدا درخواستشان این بود که انیمیشن‌های کوتاه، مانند «سیا ساکتی» و... ساخته شود اما به دلیل هزینه‌بر بودن و سختی پخش این نوع انیمیشن در تلویزیون ایده تغییر کرد. بعد به ساخت انیمیشن بلند فکر کردیم اما در نهایت تصمیم بر این شد که انیمیشنی به مدت حدوداً ۱۲ دقیقه ساخته شود تا امکان پخش در شبکه‌های اجتماعی را هم داشته باشد. سرانجام این طرح در مرکز گسترش تجربی مطرح شد و مورد موافقت قرار گرفت، هر چند تغییراتی در فیلمنامه آن ایجاد شد. در طرح طنز اولیه‌ای که خانم عادل‌ی نوشته بودند، درویش خان در زمان حال زندگی می‌کرد و ما کمتر به زمان گذشته می‌رفتم اما بعد فیلم‌نامه تغییر کرد و تمام داستان را در زمان حیات درویش خان روایت کردیم، تا اینجا مشخص شده است که «سیم ششم» به داستان زندگی درویش خان می‌پردازد. تارنواز مشهور که بر اثر تصادف رانندگی کشته شد. هر چند این انتخاب به آنچه از عظیمی در ذهن داریم، نزدیک است اما برای خود کارگردان تفاوت‌های اساسی در این زمینه وجود دارد: «هدف از این سوره مثل کارهای قبلی من، بحث آموزشی و بستن کمربند ایمنی و سرعت بالای اتوبیل نبود، بلکه آگاه کردن مردم از داستان اولین تصادف اهمیت داشت. غلامحسین درویش خان از هنرمندان بزرگ و نامدار موسیقی ایران است و افزودن

«سیم ششم» به‌تار از ابداعات ایشان بود. همچنین نخستین کسی است که بر اثر تصادف اتومبیل کشته شده است. از مرگ او بیش از ۹۰ سال می‌گذرد و بعد از مرگ او بود که قوانین راهنمایی و رانندگی در ایران وضع شد اما کمتر کسی از این ماجرا اطلاع دارد.»

یکی دیگر از ویژگی‌های این انیمیشن را در نحوه کارگردانی‌اش می‌توان دید: «دیالوگ‌هایی که مانند فیلم‌های چارلی چاپلین و باستر کیتون، به‌صورت کپشن نوشته می‌شوند. نمایش به‌صورت سیاه و سفید با عدم حرکت دوربین که انیمیشن را شبیه به آثار کلاسیک آن دوره می‌کند.»

#### ■ منتقدان از چه چیزی ناز می‌بودند؟

اما انیمیشن «سیم ششم» از همان ابتدای کار چار حواشی شد و انتقاداتی را هم دربر داشت. حدود دوسال گذشته سکansı ازاین انیمیشن برای نخستین بارمنتشرشد که درکنار موفقیت‌های چشمگیرش، درزمینه نوآوری و موسیقی با گالیله‌هایی روبه‌رو شد. «سیم ششم» در میان مخاطبان جشنواره‌ای‌اش با تحسین روبه‌رو شد، اما زمانی که سکansı ازاین انیمیشن منتشر شد تعدادی از دست‌اندرکاران و اهالی حوزه موسیقی نسبت به

این کار انتقادهایی را مطرح کردند. برای نمونه انتخاب علی قمصری به‌عنوان تارنواز همراه درویش خان، یکی از مهم‌ترین انتقادهایی است که به بهرام عظیمی منتقل شد: «آهنگساز این انیمیشن برعهده فردین خلعتبری است. زمانی که صحبت از انتخاب نوازنده تار شد، دوماوفق انتخاب علی قمصری بودیم؛ چرا که او آشنا به قطعات درویش خان است. نکته دیگر اینکه درویش خان در دوران خود هنرمندی خاص و پیشگام بود و علی قمصری هم در تارنوازی از این خصوصیت برخوردار است.» زمانی که فراتر از این انتخاب پیش می‌رویم، به انتقادهایی می‌رسیم که نسبت به این انتخاب به زبان

آمد: «شما در نظر بگیرید که در سرتاسر جهان، هنرمندی را پیدا نمی‌کنید که مخالف نداشته باشد. حرفه‌ای‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین و باحال‌ترین هنرمندا در هر زمینه‌ای، عده‌ای عاشقان هستند و عده‌ای دیگر با آنها مخالفت می‌کنند، مخصوصاً در بین همکاران خودشان. مردم عادی آقای علی قمصری را نمی‌شناسند، درویش خان را نمی‌شناسند، مردم انیمیشنی را می‌بینند که ما درویش خان را با نگاهی عاشقانه روایت کردیم و او قربانی اولین تصادف رانندگی در ایران می‌شود.»

در همین زمینه، فردین خلعتبری هم به سؤال مشابهی پاسخ داد، اما پاسخ‌های آهنگساز «سیم ششم»، اندکی تندتر و صریح‌تر از کارگردان بود: «صحبت‌های نادرست درمورد انیمیشنی چند دقیقه‌ای که به‌طور کامل اکران عمومی نشده، تأسف بار است. مشخص نیست چرا این قدر خشم وجود دارد و این خشم از کجا می‌آید.» به هر حال تمام این انتقادات در آن زمان به دلیل انتشار بخشی از انیمیشن در شبکه‌های اجتماعی و فضای آنلاین ایجاد شده بود و اشاره خلعتبری به همین مساله است که چطور منتقدان بدون آنکه انیمیشن را کامل دیده باشند، درباره آن صحبت می‌کنند؟ همین پخش ناگامل انیمیشن باعث شده تا خلعتبری توضیح دهد: «بد است دوستان هنرمند، پیش از آنکه این انیمیشن را به‌طور کامل ببینند به خاطر پیشینه افراد و روابط قبلی، قضاوت کنند. قضاوت عجولانه کفایت می‌کند که آدم تأمل کند و تأسف هم بخورد براینکه، چیزی که نکته مثبت ماجرا یعنی حساسیت به موضوع موسیقی است باعث این همه گسست، بدبینی و کج اخراقی شود. مطمئناً ریشه این خشم در هنر و موسیقی نیست. بدبینی است اگر پیش از اینکه سؤالی را درست متوجه بشویم شروع به پاسخ

دادن کنیم مطمئناً نمی‌توانیم به جواب صحیحی برسیم یا قاضی خوبی باشیم.»
ازجمله انتقاداتی که به حضور علی قمصری در این انیمیشن وجود داشت می‌توان به میمیک‌های صورت او اشاره کرد یا به حضور کارگردان اثر به‌صورت کامل با این مساله مخالف هستند. بهرام عظیمی که پیش از این با انیمیشن «۱۵۰۰» در دل مخاطبان جایز کرده بود، در این زمینه توضیح داد: «فیلمی از درویش خان موقع تارنوازی وجود ندارد که ما بخواهیم به سبک تارنوازی خود درویش خان بایند باشیم، درواقع دوبحث وجود دارد. یکی بحث قطعه‌ای است که نواخته می‌شود، یک گروه می‌گویند علی قمصری این قطعه درویش خان را دستکاری کرده است، که اتفاقاً روی این ماجرا خیلی بحث نمی‌کنند. بحث دیگر درباره نوع میمیک‌ها و حالت‌ها موقع تارنوازی است. من قبل از اینکه بخواهم درویش خان را بسازم، چند فیلم از تارنوازان بسیار مطرح ایران که اکثرشان در قید حیات نیستند اما فیلم‌هایشان وجود داشت و این افراد هم مورد تأیید این دوستان هستند، دیدم. تمام این هنرمندان در هنگام تارنوازی هیچ حرکت خاصی نداشتند، یا به سازشان نگاه می‌کردند و یا به نقطه‌ای خیره می‌شدند و بدون هیچ حرکتی تار می‌نواختند. اما من در حال ساخت فیلم هستم و فیلم من باید جذابیت و حرکت داشته باشد، آن سبک تارنوازی که ساکن است و فقط دست‌ها حرکت می‌کند و میمیک در صورت تارنواز به وجود نمی‌آید یا حرکت خاصی به تنش نمی‌دهد، برای بیننده جذاب نیست.

من سبک تارنوازی علی قمصری را دوست دارم، بعد در فیلم من وقتی درویش خان تار می‌نوازد به عشقش نگاه می‌کند، حس و حال دارد، یک جا تارنوازه‌ای دیگر به‌ش می‌خندند که چرا سیم ششم را اضافه کردی، ناراحت است. در حقیقت درویش خان من باید بازیگری می‌کرد. برای همین چون سبک تارنوازی علی قمصری را من و فردین خلعتبری پسندیدیم و از آن طرف قطعات درویش خان را دوست داشت و عاشق درویش خان است، آمدمیم نوع تارنوازی درویش خان را شبیه علی قمصری کردیم.»

#### ■ پایان این انتقادها به کجا رسید؟

برای رسیدن به نقطه پایانی لازم است به بخشی از صحبت‌های فردین خلعتبری مراجعه کنیم، زمانی که می‌گوید: «خیلی از کسانی که در مورد این انیمیشن صحبت می‌کنند نقش گروه را پررئینه و زمان‌پر هنری بهرام عظیمی، علی قمصری، گروه بزرگ همکاران اینماتور و من، یک نفر خودسرانه خواسته و توانسته خندم‌های کند. آقای علی قمصری نوازنده درجه یک تار است کسانی هم که با او اختلاف دارند اگر بگویند نوازنده خوبی نیستند دیگر حرفی با آنان باقی نمی‌ماند و اگر راجع به سبک نوازندگی صحبت می‌کنند، موضوع دیگری است و این همه توهین و بددعنی در آن لازم نیست. من توانایی و تکنیک علی قمصری آهنگساز و نوازنده را قبول دارم و تاکنون از آن در کارهایم بهره برده‌ام و از ایشان ممنوره ممنونم. آقای قمصری نوازنده نوگرایی است و به این دلیل که اتفاقاً موضوع فیلم سیم ششم، یعنی درویش خان هنرمندی نوگرا در زمان خودشان بوده‌اند، به ایشان پیشنهاد همکاری دادیم و از او خواستم مثل خودش و بر اساس تمهای درویش خان بداهه نوازی کند که کار به‌نظر اهل فن و مخاطب، کهنه نیاید. «سیم ششم» اثری مستند نیست و اصراری هم بر آن ندارد که اگر داشت کم نبودند نوازندگان توانای مانده و متعصب بر حال و هوای تاریخی استاد. سیم ششم بنایی هم بر تحریف تاریخ ندارد همچنان که اصرار بر اثبات چیزی در آن نیست. کاری است هنری و برآمده از جان. بایبیم به بهرام عظیمی برای زحماتی که کشیده و صبری که کرده و ظرافت نقاشی‌هایش و دقتش در جزئیات تبریک بگویم و سطح عاطفی هنر را با دست و دل نرمان، به گرمی لمس کنیم و اگر لذت بردیم، حالم‌ان را تقسیم کنیم و اگر هم نه، امیدوار باشیم که این گروه درآینده، کاری نزدیک به سلیقه ما تولید کند و یادمان باشد که درویش خان به روایت تاریخ اولین قربانی حوادث رانندگی در کشور ماست که همین روزها هر نیم ساعت، یک قربانی می‌گیرد.»

بهرام عظیمی هم پس از تمام توضیحات بالا و تأکید روی این مساله که «اگر من به‌جای قمصری، تارنواز جوان دیگری را هم انتخاب می‌کردم، باز جای گالیله و اعتراض وجود داشت.» از اعتراض‌ها و مخالفت‌های بی‌پایه صحبت می‌کند: «من نمی‌دانم وقتی فیلمی از نوازندگی درویش خان وجود ندارد، این دوستان چگونه سبک تارنوازی او را دیده‌اند و قضاوت می‌کنند؟ شاید حرکات تارنوازی درویش خان خیلی خاص تر از قمصری باشد؟»

عظیمی پس از پاسخگویی به انتقادها و جنبه‌های مختلف این ماجرا تأکید کرد: «اگر به دو سال گذشته برگردم و بخواهم این فیلم را دوباره بسازم از علی قمصری و تکنیک‌های نوازندگی او استفاده بیشتری خواهم کرد.»



#### عظیمی:

درویش خان من

باید بازیگری می‌کرد.

برای همین چون

سبک تارنوازی علی

قمصری را من و فردین

خلعتبری پسندیدیم

و از آن طرف قطعات

درویش خان را دوست

داشت و عاشق درویش

خان است، آمدمیم نوع

تارنوازی درویش خان

را شبیه علی قمصری

کردیم